



نسخه تلفن همراه

بیانات رهبر انقلاب در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد
و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المعصومين المكرّمين سيّما بقيّة الله في
الارضين. السّلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التي حلّت بفنائك عليك منّي سلام
الله ابدأ ما بقيت و بقي اللّيل و النّهار و لا جعله الله آخر العهد منّي لزيارتك السّلام على
الحسين و على عليّ بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.

● وجود حماسه‌ی اربعین در زمان نیاز دنیای اسلام به آن

شب شهادت سیدالسّاجدین حضرت علیّ بن الحسین (علیه السّلام) است. ایّام بسیار مهمّ بعد از عاشورا است؛ در واقع ایّام حماسه‌ی زینبی است. در چنین روزهایی مسیر کربلا و کوفه و شام و بعد از آن مدینه، مسیر حرکت نورانی پُرشکوه حماسی زینب کبری و حضرت امام سجّاد و بقیّه‌ی اسرای عاشورا است؛ اینها که توانستند با این حرکت خود، ماجرای عاشورا را ابدیت ببخشند، آن را دائمی کنند، زوال ناپذیر کنند. ما هم امروز در چنین روزهایی احساس ارتباط قلبی بیشتری با آن شهیدان عظیم الشّان میکنیم. اربعین هم در پیش است. ملّت ما، ملّت عراق، مردمان زیادی از ملّتهای دیگر در تدارک حماسه‌ی بزرگ اربعینند. حماسه‌ی اربعین یک پدیده‌ی فوق‌العاده‌ای است که به لطف و فضل الهی در هنگامی که دنیای اسلام نهایت نیاز را به این چنین حماسه‌ای دارد، به وجود آمده است. یاد سرور شهیدان را در دل‌های خودمان، در ذهن خودمان مغتنم می‌شم‌یم. سلام ارادتمندانه و مخلصانه‌ی خودمان را به آن بزرگوار و آن بزرگواران و به خاک پاک شهیدان اهدا میکنیم و عرض میکنیم:

ای صبا ای پیک دور افتادگان

اشک ما بر خاک پاکشان رسان (۲)

● موقعیت ویژه‌ی کشور در شرایط کنونی

این اجتماع عظیم امروز، این جمعیت جوان و پُرشور و بسیجی که یادآور اجتماع در همین عرصه و ورزشگاه در دهه‌ی ۶۰ است (۳) که آنجا جوانها رفتند و به پیروزی رسیدند و ان شاء الله شما هم در عرصه‌هایی که در پیش رو دارید، به پیروزی کامل خواهید رسید.

این جلسه‌ی بزرگ در موقعیت بسیار حسّاسی تشکیل شده است؛ موقعیت کشور،

موقعیت منطقه، موقعیت جهان، موقعیتهای حسّاسی است، بخصوص برای ما ملت ایران. حسّاسیت از این جهت که از یک طرف عربه‌کشی‌های سران استکبار و سیاستمداران آمریکای جهان‌خوار، از یک طرف قدرت‌نمایی جوانان مؤمن و پیروزی‌های پیاپی در میدانهای مختلف، از یک طرف مشکلات اقتصادی کشور و تنگی معیشت بخش بزرگی از مردم ضعیف کشور و از طرفی حسّاس شدن و به تکاپو افتادن نخبگان کشور که این وضعیّت آنها را حسّاس کرده و به تکاپو و تلاش فکری و عملی وادار کرده است. کشور به‌خاطر وجود مشکل، از خمودگی و بی‌عملی درآمده است؛ خیلی‌ها که فقط تماشاگر بودند، امروز احساس وظیفه میکنند و سرگرم تلاش میشوند؛ اینها جهات مختلفی است، اوضاع ویژه‌ای است برای کشور و این جلسه در چنین شرایطی تشکیل شده است.

● واقعیتهای جمهوری اسلامی در دوران کنونی:

۱. عظمت

جان کلام من در صحبت امروز عبارت است از، اول عظمت ایران، دوم اقتدار جمهوری اسلامی و سوم شکست‌ناپذیری ملت ایران. اینها رجز خوانی نیست، شعار محض نیست، سخن تو خالی مثل بعضی از شعارها و حرفهایی که بعضی دیگر میزنند نیست؛ اینها واقعیّاتی است که دشمنان ملت ایران آرزو میکنند که ما اینها را ندانیم یا از آنها غفلت کنیم و گمان دیگری در مورد خودمان و کشورمان و ملّتمان ببریم؛ ولی این حقایق واضح‌تر از این است که کسی بتواند آنها را انکار کند.

گفتیم عظمت ایران، نه فقط در زمان حال. عظمت ایران یک امر تاریخی است. در طول زمان، کشور عزیز ما توانسته است در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی فلسفه، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌ی هنر، در عرصه‌ی پرچمداری علوم اسلامی در میان

ملت‌های مسلمان، و در برهه‌ای از زمان در میان همه‌ی ملت‌های جهان، سرافراز بایستد و خود را نشان بدهد. عظمت ایران یک امر واضحی است که هر منصفی ناچار است آن را تصدیق بکند. البته این مربوط به زمان ما و همچنین دوران تاریخی است؛ استثنا شده است از این وضعیّت، دویست سال قبل از پیروزی انقلاب؛ در دوران اواسط قاجاریّه به بعد و دوران منحوس پهلوی - در این دویست سال - عظمت ایران متأسفانه پایمال شد که فعلاً بحث ما ربطی به آن قضیه ندارد.

۲. اقتدار

در مورد اقتدار جمهوری اسلامی همین بس که جمهوری اسلامی، کشور ایران را از زیر سلطه‌ی انگلیس و آمریکا بیرون کشید. این سلطه تقریباً از اوّل قرن نوزدهم میلادی شروع شده بود؛ بر همه‌ی امور این کشور، بیگانگان بی‌رحم و متکبر مسلّط بودند؛ اقتدار جمهوری اسلامی همین بس که توانست کشور را و ملت را از زیر این سلطه‌ی ظالمانه نجات بدهد. همچنین یکی از مظاهر اقتدار جمهوری اسلامی، نجات کشور از شرّ حکومت استبدادی سلطنتی و پادشاهی موروث بود. و همچنین جمهوری اسلامی در طول این چهل سال عمر خود، در مقابل دست‌اندازی‌های دشمنان سینه سپر کرده است و برای اوّلین بار در این قرن‌های اخیر، در یک جنگی جمهوری اسلامی توانسته است مانع از تجزیه‌ی کشور بشود. قبل از دوران جمهوری اسلامی، در دوران پهلوی و قاجار هر جنگی اتّفاق افتاد، یا دشمنان بخشی از خاک کشور را تجزیه کردند و یا خودشان حضور نظامی در کشور پیدا کردند و ملت را تحقیر کردند. برای اوّلین بار، ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت‌ساله توانست جبهه‌ی وسیع دشمن را بکلی ناکام کند، آنها را از کشور بیرون براند، تمامیت ارضی کشور را حفظ کند؛ معنای اقتدار این است. اقتدار به این است که جمهوری اسلامی توانسته است اعتبار و احترام این کشور

را در منطقه و در کلّ جهان بالا ببرد و یک‌تنه در مقابلِ جبهه‌ی وسیع استکبار بایستد.

۳. شکست‌ناپذیری

گفتیم شکست‌ناپذیری ملت ایران، که البته این به برکت اسلام است. دلیل این شکست‌ناپذیری و نشانه‌ی این شکست‌ناپذیری را میشود در پیروزی ملت ایران در انقلاب بزرگ اسلامی، پیروزی ملت ایران در دفاع مقدّس، ایستادگی ملت ایران در طول چهل سال در مقابل توطئه‌های دشمنان مشاهده کرد. ملت ما عقب‌نشینی نکرد، از پای در نیامد، در مقابل دشمن احساس ضعف و شکستگی نکرد؛ این پیروزی ملت ایران است. این وضع کشور است. البته توضیح بیشتری در این زمینه‌ها ان شاء الله خواهیم داد. این وضعیت امروز ما است.

● عوامل موفقیت و ناکامی در مقابل دشمن

ولی برادران عزیز، خواهران عزیز، ملت بزرگ ایران! در صحنه‌ی نبرد سیاسی و نبرد اقتصادی، عیناً مثل صحنه‌ی نبرد نظامی اگر جبهه‌ای که احساس پیروزی میکند، به خود مغرور بشود، راه پیروزی جلوی او بسته خواهد شد. مغرور شدن به پیروزی، نداشتن نقشه، نداشتن ابتکار برای تداوم پیروزی‌ها قطعاً موجب عقب ماندن در مقابل دشمن و موجب پیشروی دشمن خواهد شد. اگر مغرور بشویم، اگر به بی‌عملی و بی‌ابتکاری دچار بشویم، ناکام خواهیم ماند. باید تلاش را، مجاهدت را، ابتکار عمل را، استفاده‌ی از امکانات را به‌نحو اکمل ادامه داد. ما در نیمه‌ی راهیم، در اوایل راهیم، و باید برسیم به آن قلّه‌ای که مورد نظر انقلاب اسلامی است. هم تلاش لازم است، هم راه‌بلدی لازم است، هم شجاعت لازم است، هم تدبیر لازم است، لکن آنچه برای شما جوانها مهم است که به آن توجّه کنید، این است که نوک پیکانِ این حرکت عظیم ملّی، شما جوانها هستید؛ شما هستید که راه را باز میکنید. پیرانِ مجرب اگر خسته

نباشند، بی حال نباشند، از کار افتاده نباشند، میتوانند راهنمایی کنند ولی موتور پیش‌برنده‌ی این قطار، شما جوانها هستید.

○ جوانها، جلو دار و راه‌گشای عرصه‌های مختلف جهاد در کشور

در گذشته هم همین جور بوده است؛ در همه‌ی عرصه‌های جهاد همین جور بوده است. ما در این حدود چهل سال جهادهای متعددی داشته‌ایم؛ در همه‌ی این جهادها جوانها جلو بوده‌اند، جوانها راه‌گشا بوده‌اند، جوانها نوک پیکان بوده‌اند. در جهاد با طاغوت در دوره‌ی پیش از پیروزی - دوره‌ی مبارزات - در جهاد با تجزیه‌طلبان در آغاز پیروزی انقلاب که در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور تجزیه‌طلبانی پیدا شدند، در جهاد با این تجزیه‌طلبان، جلو دار این حرکت عظیم جوانها بودند؛ (۴) در جهاد سازندگی که از رویشهای آغاز انقلاب بود، جوانها جلو بودند و آنها بودند که این حرکت عظیم جهاد سازندگی را شروع کردند؛ در جهاد با تروریسم منافق و خائن در اوایل دهه‌ی ۶۰، در جهاد با متجاوزین در هشت سال دفاع مقدس، در جهاد برای ترمیم خرابی‌های بعد از جنگ بعد از سال ۶۷، در جهاد فرهنگی در برابر تهاجم فرهنگی سال ۷۰، جوانها بودند که توانستند آن فضای دشوار را به نفع انقلاب و اسلام تغییر بدهند؛ در جهاد علمی از حول و حوش آغاز دهه‌ی ۸۰، جوانها بودند که در دانشگاه‌های مختلف، در پژوهشگاه‌های مختلف، به ندای مطالبه‌ی پیشرفت علمی لبیک گفتند و راه علم و فناوری را به صورت جهشی در کشور باز کردند؛ و بالاخره در جهاد با تروریسم تکفیری در دهه‌ی ۹۰ در این سالهای اخیر.

و امروز هم در جهاد فکری و جهاد عملی برای گشودن گره‌های اقتصادی، باز هم جوانهایند. در برابر مشکلات اقتصادی کشور، پیشنهادهایی به ما میدهند - که ما هم میدهیم به مسئولین و میگوییم اینها را دنبال کنند - که بسیاری از پیشنهادها

مربوط به جوانها است و پخته و کاملاً کارگشا و راه‌گشا. جوانهای ما بحمدالله امروز در قبال مسائلی که کشور با آنها مواجه است، هم صاحب فکرند، هم صاحب انگیزه‌اند؛ و همان‌طور که اشاره شد، مشکلات، همه را به تحرک وادار کرده است و جوانهای ما احساس تکلیف میکنند، احساس مسئولیت میکنند.

امروز در حدود ده هزار هسته‌ی گروه‌های جهادی در سرتاسر کشور مشغولند که اینها در واقع مژده‌ی آینده‌ی کشورند، سرمایه‌ی عظیمی هستند برای آینده‌ی کشور؛ مشغول کارند، مشغول تلاشند؛ شاید صدها هزار کار مهمّ مربوط به طبقات ضعیف را در نقاط دور دست کشور، اینها انجام داده‌اند و دارند انجام میدهند؛ کارهای ریز و درشت - به حسب نیازهایی که مردم دارند - این یک سرمایه‌ی عظیمی است برای کشور. باز هم پس نقش جوانها است که مژده‌ی آینده‌ی بهتر را به ما میدهد.

● جوانها، راه حلّ مشکلات کشور

شما جوانها صاحب کشورید. بنده وقتی از جوانها تمجید میکنم در صحبتها، بعضی‌ها میگویند معلوم میشود فلانی از برخی از جوانهای منحرف، از لابی‌گری‌ها و از خلاف کاری‌های بعضی از جوانها اطلاعی ندارد؛ نه، بنده از آنها هم مطلعم. بالاخره در کشور مسلماً جوانهایی هم هستند که این خصوصیات مثبت و درخشان در آنها وجود ندارد، آنها ریزشهای ما هستند. حرف من این است که رویشهای ما بر ریزشهای ما رجحان دارند، غلبه دارند. بیش از آن مقداری که افراد به سمت لابی‌گری پیش میروند، جوانها به سمت تعهد، به سمت فکر و عمل در راه اهداف دارند حرکت میکنند و این مژده‌ی آینده است. بعضی اینها را درک نمیکنند، نقش جوانها را در آینده‌ی کشور بلکه در حال حاضر کشور، درست مورد توجه قرار نمیدهند. بعضی‌ها حتی سعی میکنند وانمود کنند که جوانها مشکل کشورند یا حتی کاری بکنند که جوانها را

تبدیل کنند به مشکل کشور؛ بنده بعکس معتقدم جوانها راه حلّ مشکلند، نه مشکل.

○ وظایف جوانها در مسیر پیشرفت کشور:

۱. احساس حضور دشمن

خب، حالا من با شما جوانهای عزیز که فرزندان عزیز من به شمار می‌روید، عرایضی دارم؛ به اینها باید توجه کنید. مهم این است که شما جوانها تصوّر نکنید که راهی که پیش روی ما است، یک اتوبان آسفالته‌ی بی‌مانع است؛ نه. راه پیشرفت به روی ما باز است اما راه پُرپیچ و خمی است، راه دارای فرازونشیبی است، موانعی در این راه وجود دارد، دشمن به‌طور کامل در مقابل ما فعال است. ما باید در مقابله‌ی با موانع، این راه را طی کنیم؛ این [کار] شرایطی دارد. گام اول برای اینکه بتوانیم این راه را درست طی بکنیم، این است که وجود و حضور دشمن را حس کنیم. آن روشنفکر نمای راحت‌طلب و ریاکار و منافق که اساساً دشمنی آمریکا را انکار میکند و این دشمنی را نمی‌فهمد و نسخه‌ی تسلیم در مقابل آمریکا را برای ملت و دولت مینویسد، مرد این میدان نیست؛ اگر عامل دشمن نباشد، حداقل مرد میدانِ مهمّ پیشرفت کشور نیست. بنابراین گام اول، احساس حضور دشمن و وجود دشمن است. تا انسان نداند که دشمن در مقابل او است، برای خود حرز و حفاظ و سنگر به وجود نمی‌آورد و سلاح لازم را در دست نمی‌گیرد.

۲. اعتماد به نفس و عزم ایستادگی

گام دوم، اعتماد به نفس و عزم بر ایستادگی است. آدمهای بی‌روحیه، مردّد، ترسو، فرصت‌طلب، خودکم‌بین، در این میدان هیچ هنری نمیتوانند نشان بدهند، اگر مانع برای دیگران درست نکنند. خودشان که هیچ کاری نمیتوانند بکنند، گاهی مانع هم در مقابل دیگران به وجود می‌آورند؛ مأیوسند، دیگران را هم مأیوس میکنند؛

تنبلند، دیگران را هم وادار به تنبلی میکنند. قرآن کریم درباره‌ی گروهی از افرادی که در آن وقت بودند، این جور میفرماید: لَوْ خَرَجُوا فِیْكُمْ مَا زَادُوْكُمْ اِلَّا خَبَالًا وَّ لَا وُضِعُوا خِلَالَكُمْ؛ (۵) یعنی اینها اگر به میدان جهاد هم با شما بیایند، شما را به فساد میکشانند؛ حتی اگر با شما به میدان جهاد هم بیایند، در میان شما اختلال ایجاد میکنند؛ کمک که نمیکند، مانع راه هم میشوند. البته جوانهای ما در همه‌ی آن جهادهایی که قبلاً اسم آوردیم و گفتم، به این بلیه مبتلا نبودند؛ اعتماد به نفس داشتند، شجاعت داشتند، تردید نداشتند، بزدل و ترسو نبودند؛ که اگر بودند، کارها پیش نمیرفت. این هم گام دوم.

۳. شناخت عرصه‌ی تهاجم و تهدید دشمن

گام سوم، شناخت حوزه و عرصه‌ی تهاجم است. جنگ ما با دشمن و تهاجم دشمن به ما در کجا است؟ این را باید درست تشخیص بدهیم. باید تهدید دشمن را درست فهم کنیم، اندازه‌ی آن را بشناسیم و معلوم بشود عرصه‌ی تهاجم کجا است. اگر دشمن از مرز شرقی حمله میکند، شما نیروهایتان را به مرز غربی ببرید، کار به جایی نخواهید برد، سودی از وجود نیروها نخواهید برد. باید بدانید دشمن از کجا حمله میکند. همه‌ی نظام، همه‌ی کشور، همه‌ی مردم باید درک درستی از عرصه‌ی نبرد دشمنان داشته باشند.

○ عرصه‌های نبرد دشمنان:

۱. اسلام

خب عرصه‌ی نبرد کجا است؟ بنده دو سه مورد از عرصه‌های نبرد دشمن را میگویم. اول، اسلام و ایمان اسلامی است. آمریکا از اسلام سیلی خورده است، از اسلام کینه در دل دارد. آمریکا از انقلاب اسلامی سیلی خورده است، از انقلاب اسلامی کینه در

دل دارد. اینها در ایران همه کاره بودند، همه چیز در اختیار خودشان بود، مسئولین کشور فرمانبر مطیع آنها بودند، منابع کشور در اختیارشان بود، سرمایه‌های کشور با میل آنها جابه‌جا میشد، سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور به میل آنها برنامه‌ریزی میشد، دستشان از همه‌ی اینها کوتاه شد. چه کسی کوتاه کرد؟ اسلام کوتاه کرد، انقلاب اسلامی کوتاه کرد؛ لذا دشمنند. بعضی‌ها از جمله‌ی نقزن‌ها میگویند بدگویی از آمریکا نکنید که با شما دشمن نشوند؛ دشمنی آنها فقط به خاطر این بدگویی و گفتن و مرگ بر آمریکایی که شما میگویید نیست؛ اینها از اصل انقلاب، از اصل حرکت عظیم ملت ایران کینه در دل دارند، کید و مکر آنها به خاطر این است؛ این اولین عرصه‌ی جنگ است. لذا اینها میترسند یک قدرت اسلامی بزرگی در این منطقه سر بلند کند و جلوی مطامع آنها را بکلی در این منطقه بگیرد؛ میخواهند این اتفاق نیفتد؛ از این میترسند، در مقابل این، صف‌آرایی و جبهه‌گیری میکنند.

۲. عناصر قدرت جمهوری اسلامی

از قدرت اسلامی و قدرت انقلابی میترسند لذا سعی میکنند عناصر قدرت را مخدوش کنند و از بین ببرند. عناصر قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پایداری به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت‌رو به توسعه‌ی علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ اینها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفند. البته با پیشرفت نظامی ما هم مخالفند، با موشک ما هم مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند؛ چون اینها هم جزو عوامل قدرت و عناصر قدرت ما است؛ پس میدان جنگ اینجا است. میدان جنگ و میدان تقابل استکبار با ایران اسلامی عبارت است از هر آنچه موجب اقتدار ایران اسلامی است؛ بایستی این را یکی از مراکز درگیری با قدرت مستکبرین دانست. این یکی از

مناطق درگیری است.

۳. فهم درست ما از واقعیت‌های کشورمان و جهان

یک نقطه‌ی دیگر از عرصه‌های درگیری، فهم درست واقعیت‌های ایران و جهان است. اینکه شما فهم درستی از واقعیت‌های کشورتان داشته باشید، به ضرر آنها است؛ با این مخالفند، با این مبارزه میکنند؛ با چه ابزاری؟ با ابزار بسیار خطرناک رسانه، بخصوص رسانه‌هایی که امروز نوپدید است. با تصویرسازی غلط سعی میکنند افکار ملت ایران را منحرف کنند؛ هم تصویر غلط درباره‌ی ایران، هم تصویر غلط درباره‌ی خودشان، هم تصویر غلط درباره‌ی اوضاع منطقه. یکی از تصویرهای غلط آنها این است که وانمود میکنند در موضع قدرتند، در حالی که در موضع قدرت نیستند. بله، قدرت سخت‌افزاری آنها یک قدرت قابل نشان دادن است؛ یعنی پول دارند، ابزار نظامی دارند، امکانات رسانه‌ای دارند؛ اینها ابزارهای قدرت است، منتها در مقابله‌ی جهانی، حرف اول را قدرت نرم‌افزاری میزند؛ قدرت نرم‌افزاری یعنی منطق، یعنی استدلال، یعنی حرف نو؛ حرف نویی که تعیین‌کننده‌ی زندگی باشد؛ سخن نو به میان آوردن. اینها حرف نو ندارند، منطق ندارند. در قدرت نرم‌افزاری، آمریکا بشدت ضعیف است؛ حرفش زورگویی است، منطقش ضعیف است، لیبرال دموکراسی‌اش امروز در دنیا مفتضح است - رفتار و شیوه‌های اعمال لیبرال دموکراسی که به آن افتخار میکردند، امروز در دنیا به صورت مفتضح مورد انتقاد صاحب‌نظران دنیا است - برای همین هم هست، به خاطر همین هم هست که شما ملاحظه میکنید آمریکای دارای قدرت اتمی، دارای تکنولوژی پیشرفته، دارای پول فراوان، در بسیاری از مناطق عالم شکست خورده است؛ در عراق شکست خورد، در سوریه شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در پاکستان شکست خورد، در افغانستان شکست خورد، در مواجهه‌ی با قدرتهای دنیا شکست خورده است و میخورد و امروز شکستهای دیگری

هم آن طوری که انسان مشاهده میکند در انتظار آمریکا است. این تصویرسازی آنها از خودشان است که یک تصویرسازی غلط و دروغین است.

یک تصویرسازی دیگری دارند که آن هم بشدت غلط و خدعه‌آمیز است و آن تصویرشان از ایران اسلامی است؛ تصویری که سعی میکنند در افکار عمومی دنیا آن را ترویج کنند و حتی سعی میکنند به خود ما هم، به خود ملت ایران هم، این تصویر را ارائه بدهند، تزریق کنند و ما را قانع کنند به نظرات باطل خودشان در مورد کشور ما. با تکیه بر مشکلات اقتصادی‌ای که امروز ما در کشور داریم و واقعیاتی است، اینها خیالاتی را در سر کم مغزشان و بی تدبیرشان می‌پروانند. اخیراً شنیدم که رئیس‌جمهور آمریکا به بعضی از سران اروپایی گفته که شما دو سه ماه صبر کنید، بعد از دو سه ماه کلک جمهوری اسلامی کنده خواهد شد. به اینها این جور گفته! به یاد حرفهایی افتادیم که چهل سال قبل، چهار دهه‌ی قبل، همین کسانی که نوکران آمریکا بودند در داخل کشور و خود آنها به همدیگر مژده میدادند، دل خوشی میدادند که آقا شش ماه صبر کنید، کلکش کنده میشود؛ شش ماه میشد و کلک کنده نشده بود، میگفتند یک سال دیگر صبر کنید، قضیه تمام میشود؛ چهل سال از آن زمان گذشته است و آن نهال باریک تبدیل شده به این درخت تناور؛ حالا این بیچاره دل خوشی میدهد به خودش و به همکاران اروپایی‌اش که دو سه ماه صبر کنید؛ بنده به یاد این شعر عامیانه افتادم که:

شتر در خواب بیند پنبه‌دانه

گهی لف لف خورد گه دانه‌دانه (۶)

دشمن، شما را نشناخته، دشمن ملت ایران را نشناخته، دشمن انقلاب را و روحیه‌ی انقلابی و ایمانی را نشناخته و این تحلیل غلط در تمام این سالها موجب گمراهی او شده است، هنوز هم موجب گمراهی است و [طبق] این دعای منسوب به معصوم

(علیه‌السلام) که «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَعْدَانَنَا مِنَ الْحَمَقَاءِ»، اعداء ملت ایران را خدا از نادانان قرار داده است؛ ابله‌ها دشمنان ملت ایران هستند.

● عدم وجود بن بست در کشور

ما البته مشکل داریم، بله، مشکل اقتصادی داریم. درست توجه کنند جوانهای عزیز و مردم بانگیزه و مؤمن ما، ما مشکل اقتصادی داریم، اقتصاد نفتی داریم که این خودش یک عیب بزرگ است، فرهنگ صرفه جویی نداریم، فرهنگ صرفه جویی در بین ما بسیار ضعیف است؛ این عیب است، اسراف عیب است؛ این عیوب را ما داریم، ولی عیب واقعی اینها نیست؛ عیب واقعی بن بست است که بحمدالله نداریم؛ ما بن بست نداریم. عیب واقعی این است که جوان کشور گمان کند که راه حلی وجود ندارد جز پناه بردن به دشمن؛ این عیب است. بعضی سعی میکنند این را القا کنند به جوانهای ما؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد ملت ایران را به این نتیجه برساند که بن بست است، راه حل وجود ندارد مگر پناه بردن به آمریکا و زانو زدن در مقابل آمریکا و تسلیم شدن در مقابل آمریکا. من صریحاً اعلام میکنم، من صریحاً اعلام میکنم: کسانی که در داخل کشور این فکر را که مطلوب و محبوب دشمنان است ترویج میکنند، اینها خیانت میکنند؛ این خیانت به کشور است. اینکه ما بر طبق میل دشمن ترویج کنیم که راهی جز پناه بردن به دشمن نداریم، بزرگ‌ترین خیانت در حق ملت است. البته این اتفاق نمی‌افتد، من به حول و قوه‌ی الهی و با همراهی شما تا جان و توان دارم، نخواهم گذاشت این اتفاق در کشور بیفتد.

● تصویری درست از وضعیت کشور:

۱. تکریم دشمنان به مقاومت ما

این تصویرسازی دشمن است؛ این تصویر خدعه‌آمیز دشمن از وضع خود او و از وضع

ما است؛ تصویرهای دروغینی که با هزارها شبکه‌ی تلویزیونی و رادیویی و اینترنتی، امروز دارد به سمت ملت ایران و افکار عمومی ما سرازیر میشود. این تصویرسازی دروغین است، اما تصویر واقعی چیست؟ تصویر واقعی این است که شما و همه‌ی جوانهای کشور باید جایگاه امروز کشور و ملتتان را بدانید؛ این شرطِ اولِ اثرگذاری شما است. اولاً امروز سیاستمداران بزرگ دنیا و مغزهای سیاسی پخته و سنجیده‌ی دنیا ملت ایران را به خاطر مقاومت چهل ساله تکریم میکنند؛ این واقعیت است، این چیزی است که ما به صورت روشن و مشخص این را می‌بینیم و از آن اطلاع داریم و من دارم به شما عرض میکنم. سیاستمداران پخته، حتی در خود آمریکا، حتی در خود غرب و کشورهای اروپایی که با ما خوب نیستند - چه برسد در کشورهای دیگر - ملت ایران را تحسین میکنند به خاطر اینکه چهل سال است که این ملت در مقابل فشارهای دشمنان عقب‌نشینی که نکرده است، [بلکه] پیشروی‌های بزرگی هم انجام داده است و خودش را به یک قدرت تبدیل کرده؛ این تحسین‌آور است. من چند سال قبل، این را گفتم که یک افسر برجسته‌ی صهیونیست گفته بود که من با ایران بدم اما در مقابل کسی که این موشک را به وجود آورده است - یکی از ده‌ها نوع موشکی را که به وجود آمده است گفته بود - به احترام بلند میشوم و کلام را بر میدارم. این جوری در مقابل این کشور، در مقابل این ملت، در مقابل مقاومت او، در مقابل پیشرفت او، مغزهای سیاسی دنیا احساس تکریم میکنند.

۲. وجود ظرفیتهای بالقوه‌ی گوناگون در کشور

ثانیاً واقعیت دیگر [این است که] کشور ما دارای ظرفیتهای بسیاری است که کمتر کشوری در دنیا پیدا میشود که این همه ظرفیت داشته باشد؛ هم ظرفیت جغرافیایی، هم ظرفیت اقلیمی، هم ظرفیت نیروی انسانی، هم ظرفیت منابع زیرزمینی، هم

ظرفیت امکانات روی زمین. ظرفیتهای این کشور که برای اقتصاد کشور و پیشرفت کشور فوق‌العاده مهمند بسیار زیادند. البته ما از این ظرفیتهای درست استفاده نکرده‌ایم؛ بنده یک آماری را دیدم و در یک جلسه‌ای گفتم - و این حرف پخش هم شد (۷) - که ما از لحاظ استفاده نکردن از ظرفیتهای کشورمان در دنیا اولیم! استفاده نکردن از ظرفیتهای. توصیه‌ی بنده همیشه به مسئولین همین است که ظرفیتهای استفاده‌نشده را شناسایی کنند و از آنها استفاده کنند برای کشور، برای تولید ثروت ملی. این هم دوم.

۳. وجود جوانها به عنوان ظرفیت بالفعل کشور

ثالثاً ظرفیت بالفعل کشور، شما جوانهای مؤمن هستید؛ این تصویر واقعی است. جوانهای مؤمن در کشور که هم توانایی دفاعی دارند، هم توانایی علمی دارند، هم توانایی در زمینه‌ی مسائل فرهنگی دارند، هم توانایی در زمینه‌ی مسائل اجتماعی دارند و در بسیاری از صحنه‌ها این توانایی‌ها بروز کرده است؛ این یک تصویر واقعی از این کشور است. دشمنی که درباره‌ی ایران اسلامی آن جور فکر میکند، این مجموعه‌ی عظیم جوان مؤمن را در کشور نمی‌بیند.

۴. قوی تر بودن اقتصاد ملی ما از تحریمها

رابعاً دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی، بعد از کنکاش فراوان رسیده به تحریم؛ یعنی راههای دیگر در مقابل او بسته است. جز راه تحریم اقتصادی، راههای دیگری ندارد و بقیه‌ی راهها در مقابل او مسدود است. ولی من به شما عرض بکنم که تحریم اقتصادی شکننده‌تر از اقتصاد ملی ما است. اقتصاد ملی ما میتواند تحریم را شکست بدهد و به لطف الهی، به حول و قوه‌ی الهی تحریم را شکست می‌دهیم و شکست تحریم، شکست آمریکا است و آمریکا از ملت ایران با شکست تحریم، یک سیلی دیگر

باید بخورد.

۵. وجود تشکیلات بسیج در کشور

نقطه‌ی پنجم - خامساً - از تصویر درست از وضع کشور، همین بسیج است بسیج مستضعفین؛ این تشکیلات عظیم، این تشکیلات سراسری در کشور، این مجموعه‌ی عظیم مردمی که سرمشقی شد برای بعضی از کشورهای دیگر که به سراغ جوانهایشان بروند برای حلّ مشکلات گوناگون، بسیج، که بسیج مصداق این آیه‌ی شریفه است: **الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ**. بعد از جنگ اُحد شایعه انداختند که بنا است به مدینه حمله بشود، بترسید از دشمن؛ فَرَّادَهُمْ اِيْمَانًا؛ اَمَّا مُؤْمِنِينَ در مقابلِ این تهدیدها و عربده‌کشی‌ها ايمانشان بیشتر شد، وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ (۸) این بسیج است. بسیج مصداق همین آیه‌ی شریفه است که در مقابل تهدید دشمن نه فقط عقب‌نشینی نمی‌کند بلکه «فَرَّادَهُمْ اِيْمَانًا»، ايمانش افزایش پیدا میکند؛ این یک نقطه‌ی قوّت است. بسیج، یکی از نقطه‌های برجسته‌ی تصویر واقعی از کشور عزیز ما است، و دشمن با بسیج خیلی مخالف است و عوامل دشمن هم با بسیج خیلی مخالف هستند.

۶. وجود تشکیلات بسیج در کشور

نقطه‌ی ششم، این بخشهای برجسته و درخشانی [است] که انسان در طول سال در مجموعه‌ی کشور مشاهده میکند؛ از جمله گروه‌های جهادی - که اشاره کردم تقریباً ده هزار هسته‌ی گروه جهادی فعّالند - بسیج سازندگی، راهیان نور، راه‌پیمایی‌های انقلاب، اعتکافها، مراسم حسینی و عاشورایی که روز به روز رونق بیشتری پیدا میکنند؛ این تصویر واقعی از کشور است؛ اینها چیزهایی است که با توجّه به آنها میشود ملت ایران را شناخت. البتّه هم به بسیج و هم به این نیروهای جهادی و فعّالیتهای جهادی

و هم به راهیان نور همه‌ی دستگاه‌ها موظفند که کمک کنند.

● رسانه، به مثابه‌ی سلاحی شیمیایی در دست دشمن

من عرایضم را کم‌کم خاتمه بدهم و سه چهار نکته را در پایان سخن به شما عزیزان عرض کنم. نکته‌ی اول این است که فعلاً دشمن از ابزار رسانه استفاده میکند برای اثرگذاری بر افکار عمومی. توجّه کنید! ابزار رسانه، ابزار مهم و اگر دست دشمن باشد، ابزار خطرناکی است. ابزار رسانه را تشبیه میکنند به سلاحهای شیمیایی در جنگ نظامی؛ سلاح شیمیایی را وقتی میزنند، سلاح شیمیایی تانک و تجهیزات را از بین نمیبرد؛ تجهیزات میماند و انسانها از بین میروند و از قدرت استفاده‌ی از ابزار می‌افتند؛ سلاح شیمیایی در جنگ نظامی این جوری است؛ ابزار رسانه هم این جور است. امروز از تلویزیون، از رادیو، از اینترنت، از شبکه‌های اجتماعی، از انواع و اقسام وسایل فضای مجازی، علیه افکار عمومی ما استفاده میشود؛ این را کسانی که مسئولیت این بخش از کشور را -بخش ارتباطات را- دارند، درست توجّه کنند. ما در جلسات حضوری هم به اینها تذکر داده‌ایم، تأکید کرده‌ایم، حالا هم میگوییم؛ توجّه کنند که آنها ابزاری نشوند برای اینکه دشمن راحت بتواند سلاح شیمیایی خودش را علیه این مردم به کار ببرد. وظیفه‌ی خودشان را بدانند و با جدّیت عمل کنند.

● ارسال پیام قدرت به دشمن

نکته‌ی دوم؛ عزیزان من! اگر دشمن در ما وحدت را مشاهده کند، در ما احساس قدرت را ببیند -که ما احساس قدرت میکنیم- در ما عزم راسخ را ببیند، عقب می‌نشیند. دشمن اگر ببیند که ملت ایران و جوانهای مؤمن ایرانی احساس حضور میکنند، احساس وظیفه میکنند و قدرتمندانه در وسط میدانند، عقب‌نشینی خواهد کرد؛ اما اگر احساس کنند که ضعف هست، احساس کنند اختلاف هست، احساس کنند بین

مسئولین کشور هم‌جهتی و هم‌سخنی وجود ندارد یا بین مردم و مسئولین کشور فاصله افتاده است، تشویق میشوند به اینکه شدت عمل خودشان را زیاد کنند. این را همه توجه داشته باشند، هم مسئولین کشور، هم آحاد مردم و بخصوص جوانان عزیز، ما بایستی به دشمن پیام قدرت بدهیم، نه پیام ضعف؛ در حرف ما، در رفتار ما، در منش زندگی ما، دشمن باید احساس کند با یک مجموعه‌ی مقتدر مواجه و روبه‌رو است؛ اگر در ما احساس ضعف بکند، جری میشود و شدت عملش را افزایش خواهد داد؛ مراقب باشید. این هم نکته‌ی دوم.

● عزم راسخ و توانایی جوانان برای رسیدن به عزّت و افتخار

نکته‌ی سوم؛ من به‌طور قاطع با اطلاعی که از وضعیت کشور دارم قاطعاً می‌گویم: این ملت و این نسل جدید و جوان تصمیم گرفته است که دیگر تحقیر نشود، تصمیم گرفته است دنباله‌رو قدرتهای بیگانه و دشمن نشود، تصمیم گرفته است که ایران عزیز را به اوج افتخار و عزّت برساند و این توانایی را دارد؛ هم تصمیم دارد، هم عزم راسخ دارد، هم توانایی دارد و ان شاءالله به اینجا خواهد رسید.

این جمعیت صد هزار نفری این ورزشگاه، یادآور جمعیت صد هزار نفری در اواخر دهه‌ی ۶۰ در همین جا است که برایشان صحبت کردیم و حرکت کردند رفتند در جبهه‌ها حضور پیدا کردند و پیروزی‌های بزرگی را برای کشور به ارمغان آوردند و شما جوانهای عزیز هم ان شاءالله در میدان علم، در میدان فعالیت، در میدان تحرّک اقتصادی، در میدان کارآفرینی، در میدان کار و تلاش فردی و جمعی، در میدان شبکه‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی، در میدان حرکتهای لازم آتش به اختیار در هر جایی که احساس بشود، ان شاءالله پیروز و موفق خواهید بود.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

(۱) حاضران در این مراسم - که در ورزشگاه آزادی تهران برگزار شد - از گروه‌های جهادی بسیجی استانهای تهران و البرز بودند که در شهریور سال جاری - از ۹ تا ۲۹ شهریور - در رزمایش خدمت بسیجیان شرکت کرده و به ارائه‌ی خدمات مختلف به اقشار محروم جامعه در عرصه‌های عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی پرداخته بودند.

(۲) اقبال لاهوری (با کمی تفاوت)

(۳) اجتماع یکصد هزار نفری بسیجیان کشور، اعزامی به جبهه‌های جنگ تحمیلی (۱۳۶۵/۹/۱۲)

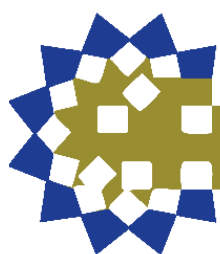
(۴) معظم‌له در پاسخ حاضران که شعار دادند «ای رهبر آزاده، آماده‌ایم آماده» فرمودند: اجازه بدهید، آمادگی شماها را میدانم، توجه کنید.

(۵) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۴۷

(۶) معظم‌له در پاسخ حاضران که شعار دادند «ای رهبر آزاده، آماده‌ایم آماده» فرمودند: خدا خیرتان بدهد، خیلی ممنون، خداوند ان شاءالله شما را حفظ کند.

(۷) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۷/۶/۷)

(۸) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۷۳



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

KHAMENEI.IR